



# چالش‌های مدیریت کشور در سال ۱۳۷۶



اشاره

شماره‌ای که در پیش‌روی دارید آخرین شماره سال جاری است. به رسم معمول تدبیر همواره کوشیده‌است در شماره پایانی هر سال با نگاهی به تحولات و رویدادهای سال جاری و بررسی تنگناها، مشکلات و نارسائی‌ها، نمایی از افق آینده را در جهت کمک به تعیین استراتژی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری فراروی مدیران و تصمیم‌سازان بنگاهها و سازمان‌های اقتصادی و اجرایی کشور قرار دهد. بر این اساس، میزگرد این شماره به بررسی «مسائل و چالش‌های مدیریت کشور در سال ۷۶» اختصاص پیدا کرده است. بدون شک کشوری که عزم جزم کرده تا با بهره‌گیری از استعدادها، توانمندیها، امکانات، ذخایر، منابع و ثروت‌های مادی و معنوی خود مسیر پربینج و خم توسعه را با گام‌های استوار ولی پرشتاب طی کند با چالش‌ها و موانعی نیز روبرو خواهد شد.

این موانع و تنگناها متعدّدند و هر یک با ویژگی‌هایی، اثرات و تبعاتی را در پی خواهند داشت. رشد هزینه‌های تولید، عدم ارتباط منطقی بین افزایش دستمزدها و سطح تولید، وابستگی صنایع به ارز و مواد اولیه، کمبود نقدینگی در صنایع، پایین بودن میزان بهره‌وری، مشکلات ارزی، حجم بالای نقدینگی، تورم، کسری بودجه پنهان، بالا بودن هزینه‌های جاری، پایین بودن حجم صادرات، مشکلات سرمایه‌گذاری خارجی، پایین بودن سطح سرمایه‌گذاری، جوانی جمعیت، مصرف‌گرایی، عدم ثبات قوانین، تمرکزگرایی و نیز تغییرات ناگهانی در خط‌مشی‌ها و مقررات از جمله تنگناهای عمده‌ای به‌شمار می‌روند که مدیران اجرایی و مسئولان بنگاههای اقتصادی کشور با آنها دست به‌گریبانند و قطعاً بر تصمیمات و راهبردهای اساسی آنان آثار منفی برجای خواهد گذاشت.

نظر به اهمیت و حساسیت این‌گونه مسائل، مشکلات یادشده و نیز موانع دیگر اقتصادی، صنعتی، بازرگانی، بانکی و اجتماعی در این میزگرد مورد کنکاش و بحث و بررسی قرار گرفته و تنی چند از مدیران و صاحب‌نظران ضمن پذیرش دعوت تدبیر، کوشیده‌اند ضمن تحلیل و مذاقه در مسائل و موانع موجود، پیشنهادها، نظرات و راهکارهایی را در جهت رفع تنگناها و حل مشکلات ارائه دهند. امید است این مباحث در رشد، توسعه و شکوفایی نظام اقتصادی و صنعتی کشور مفید و موثر افتد و افق روشن‌تری را برای سال جدید، فراروی مدیران قرار دهد.

شرکت‌کنندگان در میزگرد:

\* مهدی ثقفی: لیسانس مهندسی برق از دانشگاه صنعتی شریف، دانشجوی دوره کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی سازمان مدیریت صنعتی، مدیرعامل شرکت سنگ‌آهن گل‌گهر و مجری طرح مزبور.

\* ابوالقاسم جمشیدی: فوق‌لیسانس اقتصاد و صنایع کشاورزی، دکترای مدیریت، استاد دانشگاه، عضو شورای سازمان صنایع ملی ایران و معاون طرح و برنامه و هماهنگی سازمان مزبور.

\* داود دانش‌جعفری: مهندس راه و ساختمان، دانشجوی دوره دکترای اقتصاد، عضو شورای مرکزی بنیاد مسکن، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی.

\* غلامرضا رزازی: لیسانس مهندسی صنایع از دانشگاه صنعتی شریف، فوق‌لیسانس مدیریت صنایع از دانشگاه امیرکبیر، مدیرعامل شرکت واگن پارس.

\* سیدجعفر مرعشی: فوق‌لیسانس مهندسی برق و الکترونیک، فوق‌لیسانس مهندسی سیستم‌ها، استاد دوره کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی و مدیرعامل سازمان مدیریت صنعتی و معاون آموزش و تحقیق وزارت صنایع.

تدبیر: با تشکر از حضور برادران ارجمند و پذیرش دعوت تدبیر، مسایل مختلفی موجب شده است تا میزگرد این شماره تدبیر که شماره پایان سال مجله نیز هست به مسایل و چالش‌های مدیریت کشور در سال ۷۶ اختصاص پیدا کند. در واقع مسایلی نظیر فضای ویژه بنگاه‌های اقتصادی کشور، دگرگونی و تحولات بین‌المللی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مساله انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل دولت جدید در سال آینده و ضرورت اجرای برنامه دوم در سال ۷۶ و نیز تنوع رفتاری نسبت به برنامه و بالاخره جایگاه دولت و قانون و تاثیر آن بر مدیریت خرد از جمله موضوعات عمده‌ای است که می‌تواند در این میزگرد موردگفتگو و نقد و بررسی قرار گیرد. در ابتدا از آقای دانش جعفری تقاضا می‌شود باتوجه به حضورشان در مجلس شورای اسلامی و کمیسیون اقتصاد و همچنین سابقه کار مستقیم اجرایی در بنگاه‌های اقتصادی به تحلیل مسایل و طرح سیر مشکلات بپردازند. دانش جعفری: من در نظر دارم ابتدا تصویر کلانی از مسایل اقتصادی کشور ارائه دهم و سپس درباره مسایلی که در سطح خرد بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد بپردازم.

### تحلیل کلان

از نظر کلان چند شاخص وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرد. یکی از شاخص‌ها در مورد وضعیت اقتصادی کشور، شاخص رابطه تولید ناخالص داخلی و همچنین کمیت نقدینگی است. تولید ناخالص داخلی قیل از برنامه اول نسبت به سال ۱۳۵۳ تقریباً ثابت بود، در حالی که نقدینگی در این مدت نسبت به سال ۵۳ هیجده برابر افزایش پیدا کرده است. در طول برنامه اول در حالی که میزان تولید بطور متوسط هفت درصد رشد داشت اما رشد نقدینگی در طول این مدت بطور متوسط ۴۰ درصد بود و در سال‌های برنامه اول در بهترین حالت قادر بودیم ۶۹ درصد پس‌اندازها را برای نیازهای مولد جذب کنیم. در بسیاری از سالها وضعیت از این هم بدتر بود و در سال ۷۲ این رقم به ۵۵ درصد رسید. این مطلب از آنجا اهمیت دارد که آن قسمت از پس‌اندازها که جذب سرمایه‌گذاری نمی‌شود عامل تخریب است. شاخص بعدی وضعیت بازرگانی است. واردات کشور در چند سال گذشته به این شرح است: سال ۶۸، ۱۳/۴ میلیارد دلار، سال ۶۹، ۱۳/۳ میلیارد دلار، سال ۷۰، ۲۵/۲ میلیارد دلار،

سال ۷۱، ۲۳/۳ میلیارد دلار و سال ۷۲، ۱۹/۳ میلیارد دلار، و سال ۷۳، ۱۲/۷ میلیارد دلار، مجموع واردات کشور طی سال‌های ۶۸ تا ۷۳ مبلغ ۹۹/۵ میلیارد دلار است که ۳۰ میلیارد دلار، خریدهای نسبه نیز به این رقم اضافه می‌شود. از طرف دیگر میزان صادرات غیرنفتی در مدت شش سال مذکور حدوداً ۱۱/۷ میلیارد دلار است که همراه با ۴/۵ میلیارد دلار خدمات به مبلغ ۱۶/۲ میلیارد دلار افزایش می‌یابد. نکته مهم در اینجا آن است که واردات کشور در سال ۷۳، نصف سال ۷۰ است و پاره‌ای از شاخص‌ها در سال ۷۳ نسبت به سال ۷۰ از موقعیت بهتری برخوردار است. نتیجه‌ای که در این قسمت می‌توان گرفت آن است که در واقع می‌توان کشور را با واردات کمتر اداره کرد. به طوری که طی ۲ سال اخیر فقط ۱۴ میلیارد دلار از بدهی‌های کوتاه‌مدت کشور از محل درآمدهای سالیانه پرداخت شده است. یکی از مشکلات دیگر طی چند سال گذشته، مساله نارسایی مدیریت نرخ ارز است. قیل از اتمام جنگ تحمیلی یکی از مشکلات، تعدد نرخ ارز بود که پیامدهای زیادی را به دنبال داشت. بی‌ثباتی ارزی، سوءاستفاده‌های مختلف، تاثیر نامطلوب بر اقتصاد، فراری دادن سرمایه از تولید به کارهای غیرلازم و رشد هزینه‌های تولید و کاهش صادرات از جمله عوارض تعدد نرخ ارز بود و صادرکنندگان به دلیل قیمت بالاتر از نرخ واقعی ارز معمولاً سمی می‌کردند درآمدهای صادراتی را در اختیار بانک مرکزی قرار ندهند. بین سال‌های ۶۸ تا ۷۱ رشد نرخ ارز تقریباً کند بود. از سال ۷۲ این رشد شدت گرفت و با تعیین دو نرخ ۱۷۵ تومانی و ۳۰۰ تومانی به عنوان نرخ ارز صادراتی و شناور توسط بانک مرکزی، نرخ ارز در سال ۷۴ به اوج خود حتی رقم ۷۰۰ تومان رسید. نکته‌ای که ذکر آن ضرورت دارد آن است که بانک مرکزی از خرداد ۷۴ تا دی‌ماه همان سال تقریباً معادل ۱۰/۵ میلیارد دلار ارز فروخت که از این مبلغ ۸ میلیارد دلار آن به نرخ ۱۷۵ تومان و بقیه به نرخ ۳۰۰ تومان بود. بانک مرکزی از مجموع فروش ارز در واقع بیست و یک هزار و پانصد میلیارد ریال درآمد داشت. در مقام مقایسه، این درآمد ریالی چهار برابر درآمد مالیاتی سال ۷۳ و شاید ۱/۱ نقدینگی بخش خصوصی در همان سال می‌باشد. این مساله نشان می‌دهد اتکایی که دولت به کسب درآمد از محل فروش ارز داشته خیلی قابل توجه بوده است. به بیان دیگر مشکلی

که در این سالها وجود داشته این بوده است که شاخص قیمت ارزی داشتیم که در خیابان استانبول تعیین می‌شد و از آنجابه بنگاه‌های اقتصادی کشور تسری پیدا می‌کرد. در حالی که شاید ۹۵ درصد از بنگاه‌ها بطور مستقیم از ارز آزاد استفاده نمی‌کردند. شاخص دیگر در ارتباط با نارسایی‌های مدیریت بودجه است. در فاصله سال‌های ۶۸ تا ۷۵ درآمد ریالی نفت کشور تقریباً ۲۲ برابر شد و این در شرایطی است که درآمد مالیاتی در همین مدت به ۹ برابر افزایش یافت. نکته مهم در اینجا آن است، در حالی که درآمد سرانه صادراتی نفت کشور در سال‌های ۵۴ و ۵۵ به قیمت ثابت سال ۶۱ به میزان هزار دلار بود، در سال ۷۴ به ۱۵۰ دلار رسید. این موضوع گویای این واقعیت است که وضعیت اقتصادی ما از نظر نفتی، بودجه، کسر بودجه و تاثیر آن بر تورم که در سال‌های مختلف ادامه داشته چگونه است. شاخص دیگر در ارتباط با سرمایه‌گذاری است. سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص بین سال‌های ۶۱ تا ۷۰ دارای تقریباً رشد منفی سالانه ۰/۲ درصد بود و نیز نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص ملی از ۱۷/۴ درصد در سال ۶۱ به ۱۶/۸ درصد در سال ۷۰ رسیده است. این امر نشان می‌دهد که ما در این جهت کاهش داشته‌ایم، این نکته را عرض کنم در کشوری مثل پاکستان این نسبت ۱۷/۵ درصد است. در طول برنامه اول هدفی که داشتیم ۱۹/۷ درصد بود در حالی که در عمل به رقم ۱۰/۶ درصد رسیدیم. در واقع دلیل اصلی عدم تحقق سرمایه‌گذاری‌ها این است که میزان مصرف در این سالها دوبرابر شده است. بالا بودن هزینه‌های جاری دولت، عدم ثبات اقتصاد کلان و مشکلات صنایع به دلیل وابستگی به ارز و مواد اولیه از عوامل دیگر عدم تحقق سرمایه‌گذاریهاست.

### بررسی خرد

در ارتباط با بررسی خرد، چند شاخص را می‌توان بیان کرد. یکی از این شاخص‌ها وضعیت طرح‌های عمرانی در سال ۷۴ است. تعداد پروژه‌های ملی که در سطح کشور در این سال اجرا شد. ۶۰۶۲ مورد بوده و اعتبار آنها مبلغ ۱۴۹۵۲ میلیارد ریال است. نکته مهم آن است که تقریباً ۶۸ درصد از اهداف یکساله سال ۷۴ محقق شده است. شاخص دیگر این است که ۵۴ درصد از پروژه‌های ملی که در سال ۷۴ در حال اجرا بوده‌اند. ۱۳ درصد از زمان‌بندی عقب می‌باشند. به عبارت دیگر



### دانش جعفری

**\* هیچگونه ارتباط منطقی بین دستمزدها و تولید برقرار نیست.**

**\* سیاست انقباضی لزوماً نمی تواند تورم را کنترل کند و سیاست انبساطی هم الزاماً به رشد اقتصادی منجر نمی شود، آنچه حاصل نظریات جدید است انتظارات است.**

**\* تنها راه حل برای کاهش تورم این است که به همان میزانی که دستمزدها افزایش می یابد، میزان بهره وری نیز بالا رود.**

مدیریت در صنایع ۳۰/۵ و در کل صنعت ۳۱/۲ گزارش شده است. حاصل گزارش اسکاپ این است که ما از نظر تجهیزات و سرمایه گذاری از توفیق نسبتاً بالایی برخورداریم، اما در زمینه تولید و بهره برداری و مشخصاً مسایل نرم افزاری مشکلاتی وجود دارد که باید در حل آنها تلاش کرد. برپایه گزارش دیگری که سازمان برنامه و بودجه منتشر کرده چنانچه شاخص تولید در سال ۵۳، ۱۰۰ باشد این شاخص در سال ۶۸ به ۱۵۸ رسیده است. همچنین اگر شاخص دستمزدها در سال ۵۳، ۱۰۰ باشد در سال ۶۸ به رقم ۱۷۱۳ افزایش یافته است. این شاخص نشان می دهد درحالی که میزان تولید فقط ۵۰ درصد بالا رفته اما میزان دستمزدها تقریباً ۱۷ برابر شده است. بررسی های اقتصادی حاکی است دستمزدی که به نیروی کار می پردازیم درجهت تامین زندگی کامل آنها نیست. به عبارت دیگر نتیجه گزارش سازمان برنامه و بودجه این است که هیچ گونه ارتباط منطقی بین دستمزدها و تولید برقرار نیست و شاید یکی از مسایل اصلی ساختار اقتصادی کشور در سطح خرد حل این مشکل است که باید حل شود.

تدبیر: باتوجه به توضیحات آقای دانش جعفری که به نحوی مبین آمار ملی کشور بود، اکنون از آقای ثقفی که خود عهده دار اجرای طرح سنگ آهن گل گهر هستند درخواست می شود که مسایل مورد نظر را از دیدگاههای خرد مورد بحث و بررسی قرار دهند.

ثقفی: ضمن تشکر از دست اندرکاران نشریه وزین تدبیر برای تشکیل چنین میزگرد و طرح مسایل و مشکلات مدیریتی، من در ابتدا به چند نمونه از مشکلاتی که در صنعت کشور وجود دارد اشاره می کنم. یکی از مشکلات موجود این است که یک سری استراتژیها و خط مشی های

نسبت سود به دارایی ۱۴/۱ درصد، سازمان بازنشستگی کشور ۴ شرکت که عمدتاً زیان ده هستند. نسبت سود به دارایی آنها ۵/۰ درصد است. همچنین تعدادی شرکت های دیگر که مجموعاً ۷۴ شرکت نیز هستند که در آنها نسبت سود به فروش ۱۹/۵ درصد و نسبت سود به دارایی ۱۷/۰۲ درصد است. در یک جمع بندی کلی می توان گفت که در ۱۶۶۳ شرکت، متوسط سود به فروش ۷/۳ درصد و متوسط سود به دارایی ۱/۶۱ می باشد. این آمار در واقع ویژگی های ۸۰ درصد الی ۹۰ درصد بنگاههای دولتی اقتصاد کشور را نشان می دهد. ضمن اینکه نسبت سود به دارایی ۱/۶۱ درصد در واقع شامل دارایی هایی است که براساس ارزش دفتری است. اگر بخواهیم ارزش واقعی آنها را مثلاً به نسبت ۱ به ۵ محاسبه کنیم، این نسبت به ۰/۳ درصد کاهش پیدا می کند که در آن صورت رقم بسیار پائینی است. مجموع سود و زیان آن در سال ۷۴ حدود ۲۰۰۷ میلیارد ریال است. در واقع بودجه اختصاصی دولت در سال ۷۴ برای این شرکتها و بانکها ۶۰۰۰۰ میلیارد ریال می باشد که آن است.

### وضعیت صنایع کشور

براساس گزارش اسکاپ، از ۱۰۰ امتیازی که برای صنعت در نظر گرفته شده وضعیت صنایع ما این چنین است: سطح تکنولوژی در صنعت سنگین کشور دارای ۲۶ امتیاز است. درحالی که کل وضعیت صنعت ما فقط ۴۱/۳۶ امتیاز را داراست. امتیاز کشور از ماشین آلات و تجهیزات در صنایع رقم ۵۸ است که جزء بالاترین هاست. امتیاز مهارتها در صنایع سنگین ۳۱/۵ و در کل صنعت ۳۶ می باشد. امتیاز مبادله اطلاعات با اطلاع رسانی در صنایع سنگین ۲۲/۵ و در کل صنعت ۳۱/۳ است. میزان امتیاز سازمان و

مهمترین مشکل در این مورد کمبود اعتبار است. این موضوع را یادآور شوم که در سال ۷۴ حدود ۴۱ درصد اعتبارات عمرانی به ۱۲۰۰ پروژه که پیشرفت فیزیکی آنها تا سطح ۷۵ درصد و بالاتر بوده اختصاص پیدا کرده و بقیه یعنی حدود ۶۰ درصد اعتباراتی عمرانی به تساوی بین بقیه پروژه ها تقسیم شده است. بقیه پروژه ها در واقع بین صفر تا ۲۵ درصد، ۲۵ درصد تا ۵۰ درصد و بین ۵۰ درصد تا ۷۵ درصد پیشرفت داشته اند. هدف این بود که در سال ۷۴ حدود ۴۰ درصد از کل پروژه های ملی در حال اجرا به اتمام برسد، اما آنچه که در عمل به آن رسیدیم ۱۷/۹ درصد بود. در سال ۷۴ تعداد ۱۱۳۵ پروژه عمرانی ملی جدید شروع شد که این رقم ۱۸ درصد کل پروژه ها و ۱۴ درصد کل اعتبارات همان سال است. در حال حاضر متوسط زمانی که برای پروژه های ملی تعریف می شود ۴ سال است ولی متوسط زمانی که پروژه های خاتمه یافته در سال ۷۴ داشته ۹/۳ سال است. به بیان دیگر زمان اجرای پروژه های ملی بیش از دو برابر زمانی است که در هدف پیش بینی می شود. مهمترین دلیل این مساله کمبود اعتبار است. در پروژه های استانی نیز تقریباً همین وضعیت دیده می شود.

در مورد وضعیت بنگاههای اقتصادی دولتی باید گفت، معمولاً حدود ۵۵ درصد تا ۶۰ درصد بودجه کل کشور به بنگاههای عمده اقتصادی کشور که دولتی هستند اختصاص می یابد. آماري را من از گزارش های سازمان حسابرسي استخراج کرده ام نشان می دهد که در شرکت های تحت پوشش وزارت خانه ها که ۴۱۰ شرکت هستند به طور خلاصه نسبت سود به فروش ۴/۳ درصد و نسبت سود به دارایی آنها ۰/۶۴ درصد است. در تعداد ۳۶۸ شرکت تحت پوشش مالکیت بانکها، نسبت سود به فروش ۳/۶ درصد و نسبت سود به دارایی ۰/۹۱ درصد می باشد. در ۴۰۴ شرکت تحت پوشش بنیاد مستضعفان نسبت سود به فروش ۸/۳۲ درصد و نسبت سود به دارایی ۷/۵۲ درصد است. در تعداد ۲۲۹ شرکت زیر پوشش سازمان صنایع ملی نسبت سود به فروش ۵/۴۵ درصد و نسبت سود به دارایی ۴/۱۴ درصد می باشد. وضعیت بقیه بنگاهها به شرح زیر است: سازمان گسترش و نوسازی صنایع ۱۳۶ شرکت، نسبت سود به فروش ۷/۵۳ درصد و نسبت سود به دارایی ۴/۴۱ درصد، سازمان تامین اجتماعی با ۳۸ شرکت، نسبت سود به فروش ۲۶/۱ درصد و

کلان در کشور تعیین می‌شود که متأسفانه در سطح خرد و کلان و بهنگام تصمیم‌گیرها در بنگاه‌های اقتصادی به صورت موزون و متوازن به اجرا در نمی‌آیند. به‌عنوان مثال یکی از راهبردهایی که در آن وفاق جمعی وجود دارد این است که سعی کنیم تدریجاً دولت را از کارهای خدماتی و غیرتخصصی و اداری دور کرده و نقش اصلی دولت را که سیاست‌گذاری، نظارت بر فعالیت‌ها و پرداختن به مسایل استراتژیک است به دولت بازگردانیم. اما متأسفانه دیده می‌شود که بسیاری از سیاست‌ها و تصمیمات ما به صورت موازی برای تقویت بخش خصوصی و سپردن کار مردم به مردم حرکت نمی‌کند. در راستای این سیاست شرکت‌هایی با ماهیت خصوصی در سنگ آهن گل‌گهر ایجاد شد. در حال حاضر به‌عنوان مثال، عملیات طراحی تا انفجار در معدن به شرکتی واگذار شده و برای اینکه این شرکت مدیریت خوبی از ماشین‌آلات و سرمایه‌های دولت داشته باشد در قرارداد، تامین مواد و قطعات یدکی به‌عهده پیمانکار گذاشته شده است. پیمانکار به دلیل کمیابی قطعات در کشور عمدتاً محتاج به ورود قطعات از خارج است ولی ارز به این نوع شرکتها تخصیص داده نمی‌شود. لذا اتفاقی که افتاده این است که بیش از ۵۰ درصد ماشین‌آلات معدنی ما بدون استفاده و خارج از رده قرار گرفته است. زیرا این شرکتها ظرف حدود ۲ سال هرچه تلاش کردند تا قطعات موردنیاز خود را از خارج تامین کنند موفق نشدند. برای مثال برای واردات لاستیک کامیونها که خود بازرگانی و قطر بیش از ۲/۵ متر است، بخش خصوصی نتوانسته است ارز دریافت کند. امروزه مدیریت شرکت به قانم‌مقامی شرکت خصوصی از ارز تخصیص‌یافته جهت شرکت فولاد برای پیمانکار استفاده کرده و قطعات یدکی خریداری می‌کند. باتوجه به این قضایا عملاً آن نقش دایه بودن و مهربانانه دولت برای شرکتها سرچای خود باقی می‌ماند و بخش خصوصی استقلال لازم را پیدا نمی‌کند. به این ترتیب ما به اثربخشی، بهره‌وری و کارایی در سازمان‌های خود دسترسی پیدا نمی‌کنیم. به همین ترتیب بسیاری از شرکت‌هایی که مواد و تجهیزات از آنها تهیه می‌کنیم به دلیل نرسیدن قطعات یدکی که محتاج ارزی است نتوانسته‌اند این تجهیزات را تهیه کنند و لذا ما نمی‌توانیم از این شرکتها انتظار داشته باشیم که مانند شرکت‌های خارجی به برنامه زمانبندی

خود عمل کنند.

### تمرکزگرایی

مشکل دیگر تمرکز بیش از حد کارها در پایتخت است که چند دلیل دارد. یکی ضعف عملکرد در شهرستانها و دیگری کم‌اعتمادی مسئولان تهران به مسئولان شهرستانها که باعث مشکلات زیادی برای جذب نیرو در شهرستانها شده است. از طرفی همین مساله باعث عدم رشد مسئولین شهرستانها به دلیل مدیریت ضعیفی که در تهران اعمال می‌شود است. دلیل دیگر این تمرکز وجود مقررات و قوانینی است که سعی می‌کند شرکتها را تحت پوشش وزارت‌خانه‌ها قرار دهد. به‌عنوان مثال برای ترخیص کالا نیاز به اجازه شرکت ملی فولاد ایران و برای اصلاح اعتبار اسنادی امضای وزیر لازم است، برای ترخیص کالا مجوز کشتیرانی از تهران باید دریافت شود و برای اصلاح آیین‌نامه‌های انضباطی کار، از تهران باید دستور گرفته شود. حتی تعاونی‌ها در تهران اجازه تاسیس پیدا می‌کنند و تحویل خودرو نیز در تهران صورت می‌گیرد. همه این مسایل منجر به کم‌ظرفیتی



واحدهای تولیدی و گریز نیروهای متخصص و سایر مسایلی می‌شود که در آمارهایی که آقای مهندس دانش جعفری ذکر کردند تجلی پیدا می‌کند.

تدبیر: از آقای رزازی تقاضا می‌شود باتوجه به حضورشان در یک صنعت سنگین ملی که عهده‌دار پشتیبانی از ساخت زیربنای فیزیکی کشور است و همچنین با در نظر گرفتن اینکه جمهوری اسلامی ایران در مقدمات ورود به قرن ۲۱ و تشکیل یک اقتصاد منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای قرار گرفته است تصویر روشنی از مشکلات و مسایل حوزه کار خود را که بیشتر جنبه ملی دارد ارائه دهند.

رزازی: با تشکر از مسئولین محترم تدبیر بخاطر ایجاد این فرصت، شرکت واگن پارس به تدریج با سیاست‌های تغییر نرخ ارز و کاهش قدرت خرید خریداران داخلی و سیاست توسعه صادرات، گرایش خود را به سمت نگرش به بازارهای خارجی نشان داد و سعی کرد ظرف سال‌های اخیر با تغییر سیاست‌های دولت و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی راه کارهای مناسب را برای فعالیت یک بنگاه اقتصادی طراحی و اجرا کند. شرکت از اینکه راه خود را انتخاب کرده احساس خوشحالی می‌کند ولی از جهتی به دلیل اینکه زمینه‌های لازم برای اجرای این سیاست‌ها بطور کامل در کشور فراهم نیست فشار بسیار سنگینی را متحمل می‌شود. واگن پارس برای اجرای برنامه صادراتی خود نیازمند مقابله با مشکلات و مقررات اجرایی بوده و سعی می‌کند بطور خاص با در قالب تنظیم مقررات جدید مشکلات خود را حل کند. اعتقاد ما این است که سرمایه‌های عظیمی که در مملکت به لحاظ سخت‌افزاری ایجاد شده و در اظهارات آقای دانش جعفری به آنها اشاره شد راهگشای توسعه کشور در بعد اقتصادی و مسایل سیاسی است. امروز خیلی ملموس است که بدون داشتن رابطه اقتصادی، رابطه سیاسی معنای واقعی نخواهد داشت و این امر عملاً در روابط با کشورهای مختلف احساس می‌شود. حضور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در بعد اقتصاد در کشورهای دیگر زمینه حضور سیاسی را بطور کامل فراهم می‌کند و بالعکس و در واقع این دو مقوله مکمل یکدیگرند. برای داشتن آینده روشن‌تر نیازمند آن هستیم که این سنگ بناها را برای توسعه صادرات صنعتی ایجاد کنیم. ضرورت حضور موفق در بازارهای صادرات این است که ما به سرمایه‌گذاری‌های انجام شده امکان رشد و توسعه دهیم و هم‌پای حرکتی که در اقتصاد جهانی وجود دارد امکان حضور و رقابت داشته باشیم. در مجموعه قوانین و مقررات بطور عام و بطور خاص در رابطه با شرکت‌های دولتی تصویری که ما ملاحظه می‌کنیم این است که هدف حفظ وضع موجود و بهره‌وری است که عملاً به دلیل عدم امکان توسعه شاید خود این هدف هم امکان‌پذیر نباشد. ما در حرکتی که چند سال گذشته، برای توسعه فعالیت به بازارهای جدید و گسترش محصولات داشتیم نیازهایی را احساس می‌کنیم که تامین آنها با موانع قانونی و مقرراتی مواجه است.

این شرکت و یا صنایع مشابه برای رسیدن به اهداف تعیین شده نیازمند آن هستند که بتوانند برنامه توسعه خود را اجرا کنند. شرکت‌های دولتی از مشارکت در شرکت‌های دیگر منع شده‌اند. شرکت از نظر اداره به لحاظ مقررات با مواعی روبروست. ازجمله ما در بازارهای صادراتی نیازمند مشارکت شرکت‌های خارجی هستیم. علاوه بر این تکلیف این‌گونه شرکتها از بعد تکنولوژی، سرمایه و تامین منابع مشخص نیست. برنامه‌ریزی ما برای آینده این است که با توجه به تنوع محصول و بازاری که با آن مواجه هستیم ظرفیت کارخانه را برای ۵ سال آینده به دو برابر افزایش دهیم به این ترتیب توسعه مستمر در برنامه واگن پارس دیده شده است. اما بخاطر مسایلی که عرض شد تاکنون اجرای این برنامه را با مشکل توانستیم پیش ببریم.

### صادرات صنعتی

پتانسیل بسیار خوبی در بازار صادراتی برای جذب محصولات با ارزش افزوده بالای این شرکت و شرکت‌های مشابه وجود دارد. من فکر می‌کنم در جهت حل مشکل شرکت‌هایی که در جهت صادرات فعالیت می‌کنند چه از لحاظ مقررات داخلی، مسایل گمرکی، و تسهیلات بانکی و مالی، و چه از جهت حضور در بازارهای خارجی و مشارکت با شرکت‌های خارجی نیازمند این است که ما به تسهیلات جدید یا راهکارهای جدید دست پیدا کنیم. واگن پارس در حال حاضر درگیر تعهدات نسبتاً سنگین در بعد صادراتی است. اجرای این تعهدات در شرایطی که اصولاً فرهنگ صنعتی در کشور وجود ندارد کار بسیار سختی است. برای انجام امور صادرات در بازارهای منطقه نیاز به حضور نماینده مقیم است و نماینده مقیم بایستی در قالب قرارداد کمپسینی به آن پرداخت شود. برای حل این مشکل ابتدایی، ماهها تلاش کردیم تا نهایتاً با دریافت مجوزی خاص از طریق منابع داخلی خود، این مشکل را حل کردیم. نمونه عینی این مسایل در قالب صادرات صنعتی زیاد است و تا این مشکلات حل نشود امکان اجرای برنامه‌هایی که در دستور کار دولت و مجلس درجهت توسعه صادرات است مقدور نخواهد بود. به اعتقاد من اصولاً صادرکننده درجهت تسهیل حرکت خود نیاز به وضع مقررات و قوانین جدید دارد. از طرف دیگر رقابت شدیدی در بازار جهانی وجود دارد و عنصر زمان تعیین‌کننده است. لذا باید تسهیلات

لازم برای توسعه صنعتی ایجاد شود و این یک ضرورت است.

### سرمایه‌گذاری خارجی

همانگونه که قبلاً اشاره شد هنوز تکلیف سرمایه‌گذاری خارجی برای ما روشن نیست. ما در معرض فرصت‌های بسیار خوبی برای مشارکت با شرکت‌های خارجی هستیم اما به دلایلی که عرض شد تا به امروز نتوانسته‌ایم از این فرصت‌ها استفاده کنیم. در واقع بین صفر و صد تاکنون چیزی را تعریف نکرده‌ایم. بسیاری از کشورهای مشابه ما که سرمایه‌گذاری خارجی را تعریف کرده‌اند برای آن مقررات و ضوابطی گذاشته و برای احتراز از جنبه‌های منفی آن، شرایط مطمئن و روشنی را تعریف کرده‌اند که

صنعتی به طریق سالم عملاً وجود ندارد و اگر شرکتی بخواهد در چارچوب قوانین و مقررات حرکت کند بایستی در حد موجود خودش دست و پا بزند. امکان انباشت سرمایه به سرمایه‌گذار یا صنعتگر در حد معقولی باید داده شود. توسعه ضرورت حیاتی اقتصاد و صنعت است و این بجز با انباشت سرمایه، امکان‌پذیر نخواهد بود. صنایع ما در بخش‌های مختلف در ابعاد کارگاه‌های کوچک و محدود فعالیت می‌کنند طبیعی است که در این رده امکان توسعه تکنولوژی و نوآوری بسیار محدود است. ما نیازمند پیشروهایی در اقتصاد و صنعت هستیم و باید به آنها امکان تشکیل بدهیم. برای مثال اگر قرار است شرکتی درحد ۲۰۰ میلیون دلار صادرات صنعتی داشته

### تقنی

\* با حذف مقررات دست‌وپاگیری که در راه ورود مواد و قطعات ضروری صنایع وجود دارد می‌توان کمک شایان‌توجهی به افزایش ظرفیت واحدهای تولیدی و نیز کاهش بخشی از تورم موجود در جامعه کرد.  
\* هر قدمی که به منظور تفویض اختیار برداشته می‌شود در تسریع جذب نیروهای مناسب در مناطق دورافتاده موثر است.



جذب سرمایه‌گذاری خارجی انجام‌پذیر شده است. برای نمونه در کشورهایی نظیر مالزی و اندونزی با تنظیم روابط نظام‌دار و قانونمند، جذب سرمایه خارجی بطور کامل انجام می‌شود و قوانین به نحوی است که پیش‌بینی‌های لازم برای جلوگیری از تمامی مخاطراتی که در اذهان است انجام می‌شود.

من معتقدم ضرورت سرمایه‌گذاری خارجی را نمی‌توان انکار کرد و این کار در یک فضای قانونی مناسب امکان‌پذیر است. به بیان دیگر توسعه برای اقتصاد ایران چیزی است که بدون سرمایه‌گذاری خارجی، روند پرشتاب خود را نخواهد گرفت. در واقع لازم است که به شرکت‌هایی که در این عرصه حداقل حرکت پیشتازی را شروع کرده‌اند این امکان را بدهیم که از این قالب محدود خارج شده و بتوانند با این مشارکتها حرکت توسعه را پیش ببرند. در حال حاضر مقررات به گونه‌ای است که رشد و توسعه

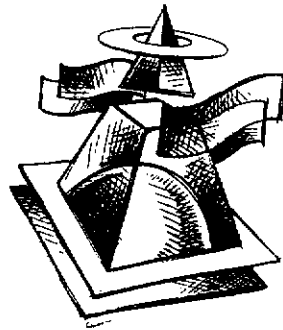
باشد در شرایطی که برای خرید لوازم اداری، خرید خودرو و یا مشارکت در شرکتی منع قانونی می‌شود این امر عملاً امکان‌پذیر نیست. یعنی یا باید آن توقع و انتظار را تغییر دهیم و یا اگر به دنبال حضور قوی و فعال در بازارهای صادراتی هستیم لازم است نحوه نگرش به بنگاه‌های اقتصادی را تغییر داده و میزان اختیارات آنها را افزایش دهیم. در این صورت است که می‌توانیم امیدوار باشیم فعالیت این نوع واحدها در اقتصاد کشور اثری تعیین‌کننده داشته باشد.

تدبیر: تاکنون هم به مطالب و مسایل کلان و هم به مقوله‌های خرد اشاره شد. اکنون از آقای دکتر جمشیدی درخواست می‌شود با توجه به تجارب و سوابق کاری خود در هر دو بخش خرد و کلان و با عنایت به نقش و مسئولیت مضاعفی که در شرکت سرمایه‌گذاری صنعتی برای تجهیز منابع مالی در جهت پشتیبانی از منابع صنعتی دارند،

مسایلی را که طرح آنها در این میزگرد ضرورت دارد مطرح و روشن نمایند.  
البته این نکته را هم باید مدنظر داشت موضوعی که امروزه در اقتصاد کشور مطرح است این است که آیا ما خواستار اقتصاد با تورم ولی بدون رکود هستیم، یا برعکس در شرایط فعلی راه مناسب آن است که تورم را ولو به قیمت گسترده‌تر کردن رکود در صنعت و اقتصاد کشور، کاهش دهیم.

**جمشیدی:** بسا سپاس و تشکر فراوان از گرداندگان محترم مجله تدبیر که چنین فرصتی را در اختیار اینجانب قرار دادند مقدماً باید بگویم که براساس قانون تجارت، بنگاههای اقتصادی به دو دسته انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم می‌شوند. در دسته اول چند گروه دیده می‌شود. یک گروه که شامل بنگاههای اقتصادی انتفاعی است و کاملاً خصوصی است. گروه دیگر، بنگاههای اقتصادی انتفاعی عمومی است که اغلب آنها تحت پوشش می‌باشند. گروه سوم از دسته اول، بنگاههای اقتصادی در شاکله‌های تعاونی است که در چارچوب‌های تعاونی اداره می‌شوند. دسته دوم بنگاههای اقتصادی غیرانتفاعی نظیر بنیادهاست.

اصولاً مدیریت‌ها در این بنگاهها با چند دسته قوانین مانند قوانین کار، قوانین تجارت، قوانین مالیاتها، مقررات گمرک، مقررات و ضوابط بانک مرکزی و قانون مقررات صادرات و واردات روبرو هستند. در شاخص‌هایی که آقای دانش‌جعفری فرمودند اشاره شد که نزدیک به ۶۰ درصد از تولید ناخالص ملی متعلق به بنگاههای اقتصادی انتفاعی در بخش عمومی است که رقم بسیار بالایی است. اگر به این میزان، تولید بنگاههای اقتصادی غیرانتفاعی اضافه شود، رقم بدست آمده نزدیک به ۷۰ درصد است. به عبارت دیگر می‌توان گفت هنوز غالب بنگاههای اقتصادی کشور به نحوی متأثر از تصمیمات بی‌واسطه یا به‌واسطه دولت هستند. حال با تمام این ابعاد وقتی بنگاهها مقابل سیاست‌های پولی، ارزی و اعتباری قرار می‌گیرند دائماً متأثر از تصمیمات متنوع هستند طبیعی است این سیاستها در تصمیمات اقتصادی بنگاهها اثر گذاشته و تمام این آثار در یک رقمی که قیمت تمام شده کالا است خود را به خوبی نشان می‌دهد. در اینجا بحث تورم پیش می‌آید که آقای مهندس دانش‌جعفری به آن اشاره کردند. در سال ۵۳ رشد دستمزدها ۱۷ برابر بود. درحالی که رشد



تولید ناخالص ملی به مراتب کمتر از این میزان بود. اکنون باید دنبال عوامل و عناصری بود که باعث چنین افزایشی در میزان دستمزدها شده است.

یک مدیر بنگاه اقتصادی در این اندیشه است که چگونه می‌تواند با داشتن چند دسته از قوانینی که هریک ویژگی‌های خاص خود را دارند تصمیم‌گیری کند. در واقع هم کارگر از میزان دستمزدی که دریافت می‌کند ناراضی است و هم کارفرما از پرداخت آن. یک کارفرما احساس می‌کند که ۱۷ برابر نسبت به شاخص‌های ۶۸ به ۵۳ اضافه‌تر دستمزد پرداخت می‌کند. پس او هم نگران است. افزون بر اینها، یک مدیر بنگاه اقتصادی با مسایل درون‌سازمانی خود شامل رفتار مدیریت با کارکنان، رفتار مدیریت با مدیران میانی و رفتار با کارگران مواجه است و این عوامل بدون شک در تصمیم‌گیریهایی او تاثیر دارد.

نکته دیگر اینکه اگر یک مدیر فقط به سازمان، بنگاه، کشور و حوزه جغرافیایی خود فکر کند قطعاً در جا زده است او بایستی به فضای بین‌المللی هم بیندیشد و در اینجا است که بحث صادرات، نوع تولید، چگونگی تولید و مقررات صادرات و واردات و انگیزه‌های اقتصادی برای صادرات و بحث سود مطرح می‌شود.

**مشکل دیگر بحث مکانیزم‌های مالی و پولی کشور است.** مکانیزم‌های مالی ما هنوز بر مبنای قانون مالیات‌هاست و تعدیل نشده است. این مکانیزم‌ها همچنین فقط به نگرش و تشخیص ممیز مالیات بنگاههای اقتصادی تهیه و تدوین شده است. لذا در این زمینه چند اقدام اساسی لازم است. نخست اینکه با یک نگرش انگیزه‌ساز مالیاتها را برای بنگاههای اقتصادی پویا کنیم. دیگر اینکه اگر دقت شود، دو مرجع برای سیاست‌های پولی ما تصمیم‌گیری می‌کنند یکی از این دو مرجع، مجلس شورای اسلامی است

که دقیقاً مصرف عمده پولی کشور را تعیین می‌کند. مجلس در واقع در هر سال با تعیین بودجه به سیستم بانکی اجازه می‌دهد پول جدیدی به حجم نقدینگی کشور اضافه شود. به این ترتیب سیستم بانکی ما اغلب سیستم صندوقداری دارد تا سیستم بانکداری پویا. حتی مجلس در زمینه نرخ هم تعیین تکلیف می‌کند و مابه‌التفاوت آن را برعهده بودجه و دولت می‌گذارد. خیلی از تبصره‌های بودجه گاهی به بازپرداخت‌های طولی‌مدت برمی‌خورند. در سیستم بانکی ما هنوز بر سر نرخ سود و نرخ واقعی قیمت پول در بازار اختلاف است و این مساله تاکنون حل نشده است. براساس سیستم بانکی موجود اگر شخصی بتواند از سیستم بانکی تسهیلاتی را کسب کند دریافت‌کننده سوسید است. نرخ واقعی پول آن چیزی نیست که اکنون سیستم بانکی عرضه می‌کند و قطعاً نرخ دیگری در بازار است. نکته‌ای که در اینجا مطرح می‌شود نرخ بازده پول و بحث بهره‌وری است. می‌توان با در نظر گرفتن پول به عنوان یک کالا، میزان بهره‌وری آن را مورد غور و مطالعه قرار داد. در این رابطه باید این نکته را بررسی کرد که مکانیزم پول به‌عنوان یک کالای واسطه‌ای در نظام اقتصادی کشور در طول زمانی که بین عرضه‌کننده و بازگشت آن چقدر کارایی در کل اقتصاد و یا در بخش‌های صنعت و کشاورزی کشور داشته است. یک بنگاه اقتصادی صنعتی و یا کشاورزی که می‌تواند منشاء ارزش‌افزوده و عامل اساسی تولید ناخالص داخلی کشور باشد اکنون گرفتار مجدد نقدینگی است.

### تورم و عوامل روانی

بحث دیگر تورم و عوامل روانی آن است. در گزارشی که خدمتتان تقدیم می‌کنم مطالعه‌ای صورت گرفته که براساس آن رابطه بسیار منطقی بین نرخ رشد نقدینگی و رشد نرخ تورم وجود دارد و این امر در نموداری به صورت روشن نشان داده شده است. این نمودار کاملاً نشان می‌دهد که رشد اقتصادی در کشور ما چه وضعیتی دارد. برپایه این نمودار رشد اقتصادی کشور بین سالهای ۶۸ تا ۷۳ نتوانسته است از ۱۰ درصد تجاوز کند. این در شرایطی است که تورم در این سالها بطور مرتب در حال رشد بوده است. نمودار دیگر نشان می‌دهد که چگونه تورم همپای نقدینگی مرتب در حال افزایش بوده بطوری که هرگاه نقدینگی افزایش پیدا کرده همان زمان تورم نیز رشد کرده است. اما اینکه آیا با مکانیزم‌های

سیاست انقباضی می‌توان تورم را مهار کرد سوال مهمی است که باید به آن پاسخ گفت. به اعتقاد من ما اگر مخیر به انتخاب بدو بدتر باشیم شاید این انتخاب از نوع بدتر است ولی اگر مخیر به انتخاب بدو خوب باشیم قطعاً در این مساله شاید نیاز باشد که تجدیدنظر کنیم. در حال حاضر نرخ بیکاری در کشور رشد بسیار فزاینده‌ای دارد و به بالای ۱۰ درصد رسیده است. افزایش نرخ بیکاری از یک طرف و از سوی دیگر افزایش متولدین رشد بالای ۳/۷ درصد جمعیت کشور در گذشته و روی آوردن آنها به بازار کار، قطعاً مشکلات را چندین برابر می‌کند. نکته دیگر مربوط به سرمایه‌گذاری سرانه با نرخ‌های ثابت است. علیرغم تلاش‌هایی که در سالهای اخیر صورت گرفته نرخ رشد سرمایه‌گذاری سرانه در کشور هنوز پایین است. همانگونه که جدول نشان می‌دهد باتوجه به سرمایه‌گذاری خوبی که در برنامه اول در زمینه فولاد - سیمان و شکر انجام شده متأسفانه تولید بالایی بدست نیامده است.

براساس این جدول، تولید سرانه در پایان برنامه پنجساله اول برای فولاد ۶۳/۸ کیلوگرم، برای سیمان ۲۷۳ کیلوگرم و برای شکر ۱۶/۵ کیلوگرم بود. در پایان برنامه دوم قرار است تولید سرانه فولاد به ۱۰۷ کیلوگرم، سیمان به ۴۰۰ کیلوگرم و شکر به ۱۶/۹ کیلوگرم افزایش یابد. میزان افزایش برای فولاد ۶۵/۱، برای سیمان ۴۶/۵ و برای شکر ۲/۴ درصد پیش‌بینی شده است. همین ارقام را با چند کشور مشابه خودمان مقایسه می‌کنیم. در همین سالها تولیدات ترکیه در زمینه فولاد ۱۱ میلیون تن درمورد سیمان ۳۱ میلیون تن و در زمینه شکر ۲۵۰۰۰۰۰ تن است. تولیدات عربستان سعودی در زمینه فولاد، سیمان و شکر به ترتیب ۲/۳ میلیون تن، ۱۳ میلیون تن و ۵۰۰۰۰۰ تن می‌باشد. تولیدات ایران در زمینه فولاد ۳/۸ میلیون تن سیمان ۱۶ میلیون تن و شکر ۹۶۸ هزار تن است. سهم ایران از تولیدات منطقه در فولاد ۱۲ درصد، در سیمان ۲۰ درصد و در شکر ۲۴ درصد می‌باشد. بنابراین باتوجه به این شاخص‌ها، میزان سرمایه‌گذاری سرانه و همچنین جمعیت جوان کشور مشاهده می‌شود که بزرگترین مشکل ما در حال حاضر تجهیز منابع سرمایه‌گذاری است. اما اگر به مساله بنگاههای اقتصادی و تفکیکی که صورت گرفت باز گردیم مشاهده می‌کنیم بنگاههای اقتصادی صرفاً دولتی به‌هیچ‌وجه نمی‌توانند از تسهیلات

بودجه بانکی استفاده کنند و لذا باید به بودجه‌های عمرانی متوسل شوند.

در سال‌های اخیر مجلس برای بخش غیرعمومی این‌گونه بنگاهها سهمیه بودجه تعیین کرده است. برای مثال اگر شرکت ملی نفت قصد سرمایه‌گذاری دارد در این رده قرار گرفته و از این بودجه استفاده می‌کند. در این جاست که حجم تقاضا با توجه به سیاست‌های ارزی و گشایش اعتبارات که خلق‌الساعه هستند افزایش یافته و در قیمت تمام شده موثر است. به این ترتیب از یکسو فریاد تورم بلند است و از طرف دیگر این مشکلات را خودمان ناخواسته می‌سازیم. در واقع تورم در جامعه ما متأثر از عوامل مختلفی است و بزرگترین شاخصی که روی تورم این جامعه اثر می‌گذارد بحث روانی است. امروزه تصمیم مدیر، فروشنده و واسطه‌هایی با دفتر، بی‌دفتر و گمنام روی قیمت کالاها تاثیر دارد و به عبارتی آخر قضیه بازار مصرف یعنی روانی کردن مصرف‌کننده. خوشبختانه در سال جاری تورم و تقاضا کمی کاهش پیدا کرده است.

در سال‌های گذشته به دلایل مختلف، پس‌انداز کالایی در میان مصرف‌کنندگان رواج داشت و این مساله از یک سو باعث کنز کالا شد و از سوی دیگر ضایعات کالایی را افزایش داد. حبس کالاها در انبارها و منازل از جمله عواملی است که به هر حال بر روی تورم جامعه ما تاثیر گذاشته است.

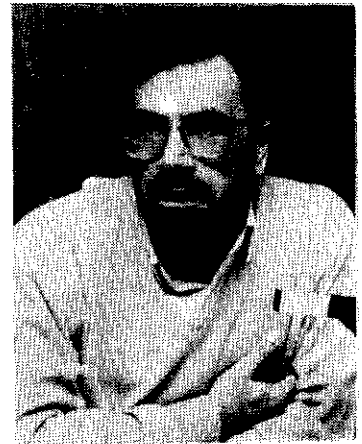
مسرعی: در اینجا بی‌مناسبت نیست از فرمایشات متین برادران ارجمند، جمع‌بندی صورت گیرد. اولین نکته این جمع‌بندی آن است که ما در یک جریان منطقی‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته‌ایم و لذا باید پویاتر به سوی افق‌های روشن حرکت کنیم. علاوه بر این ما بایستی برای توسعه مبادلات منطقه‌ای به‌عنوان یک محور جدی فعالیت‌های خود، زمینه‌سازی کنیم و طبیعتاً در این مسیر باید امکانات مناسب، منابع سرمایه‌ای، منابع انسانی، قوانین، مقررات و نرم‌افزارها و آن چه را که به‌عنوان پیش‌درآمدهای طبیعی این جریان موردنیاز است تجهیز کنیم. از دیگر نکاتی که مورد وفاق جمعی بود مساله عدم توازن بین خط‌مشی‌های کلان و خرد است. در مباحث مطرح شده تاکید شد که نقش اصلی دولت باید سیاست‌گذاری باشد و لازم است دولت، تصدی‌ها را در یک برنامه منطقی، به حداقل ممکن برساند، مگر اینکه به‌رغم تمام تلاش‌هایی که از سوی دولت صورت می‌گیرد آمادگی

اجتماعی برای انجام آن وجود نداشته باشد. تمرکز بیش از حد امور در دستگاههای سیاست‌گذاری و اجرایی کشور یکی از موانع توسعه و تحول است که مورد تاکید قرار گرفت. مساله دیگر نقض قوانین و بی‌ثباتی آن است. به اعتقاد من بطورکلی باتوجه به دگرگونی‌هایی که در دنیا شاهد هستیم نمی‌توان توقع جدی داشت که قوانین در جامعه ما تغییر نکند. به نظر می‌آید آنچه باعث طرح مساله بی‌ثباتی قوانین است خود اصل تغییر نیست، بلکه صحبت از تغییراتی است که قبل از آنکه توسعه جدیدی از اختیارات و فرصت‌ها برای بنگاهها و سازمان‌های اقتصادی پیش آورد زمینه‌های ناهنجاری و انقباض را فراهم می‌کند. در واقع این‌گونه تغییرات است که قوانین را بی‌ثبات جلوه می‌دهد و به اصل تغییرپذیری قوانین می‌انجامد. نکته دیگری که در بین فرمایشات مشترک برادران بود موضوع نگرشی است که در نظام، دولت، مجلس و بقیه نهادها باید نسبت به واحدهای اقتصادی وجود داشته باشد. اگر در فرمایشات امیرالمومنین علیه‌السلام در عهدنامه مالک اشتر توجه کنیم مشاهده می‌شود که در این عهدنامه، کارگزاران و عاملان اقتصادی به‌عنوان منابع ثروت و مولد توانمندی، فرصت‌ها و امکانات برای جامعه معرفی شده‌اند و طبیعی است که منزلت آنها از لحاظ نقش‌آفرینی در جامعه منزلت بالایی است و باید مورد عنایت بیشتری قرار گیرد. مطلب بعدی، ارتباط منطقی بین دستمزدها در چرخه تولید است. در واقع نه تولیدکننده و مدیر از پرداخت دستمزدها راضی است و نه کارگر از دستمزدی که دریافت می‌کند. کارگر احساس می‌کند شأن و منزلت او در ساختاری که برایش تعیین شده شأن نازلی است و نوعی تحقیر اجتماعی در نظام تولید رخ داده است. انعکاس این مسایل همانگونه که آقای جمشیدی به آن اشاره داشتند در قیمت نهایی است و قیمت کالاهاست که مشخص‌کننده وضعیت اقتصادی ماست.

مطلب دیگری که در فرمایشات برادران به آن اشاره شد فضای بین‌المللی است. طبیعی است این فضا به‌عنوان یک عامل موجب تحول می‌باید در نظر گرفته شود و در بستر سیاست‌های توسعه یابنده نظام باید همواره مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه مساله سرمایه‌گذاری خارجی و قانونمند کردن آن برای اقتصاد کشور مطرح است که مورد تاکید آقایان نیز بود. همچنین

مساله پیوندهای اقتصادی صنعتی، چگونگی روابط تضمین‌پذیر بلندمدت برای طرفین، تجهیز منابع سرمایه‌ای از داخل و خارج از موضوعاتی است که مورد عنایت برادران قرار گرفت.

از نکات دیگر، مساله امکان شکل دادن پیروان صنعت است که باید تحرک بیشتری در این زمینه بوجود آید. بقیه مواردی که به آنها اشاره شد نظیر قانون تجارت، قانون مالیات‌ها و قوانین بودجه بیشتر جنبه ابزاری دارند و طبیعی است که برای کارآمدتر کردن مورد بازنگری و بازبینی قرار گیرند و یا قوانین مقطعی وضع شوند. اکنون از برادران تقاضا می‌شود با توجه به تفکیک مطالب ارائه شده، نسبت به فضایی که



ساخته شده است پیشنهادها و شیوه‌های مناسب اجرایی ارائه دهند.

**دانش جعفری:** در مورد راه‌حل‌ها من چند نکته را عرض می‌کنم. نکته اساسی این است که ما باید به آینده امید داشته باشیم و مجموعه شرایطی که کشور ما از نظر نیروی انسانی، منابع و شرایط طبیعی و استراتژیک با آن روبروست، شرایط کاملاً مساعدی است و این امکان را برای توسعه چشمگیر قطعاً خواهیم داشت. کشور ما سالیانه بطور متوسط ۱۶ تا ۲۰ میلیارد دلار درآمد نفت دارد که از یک جهت سود تلقی می‌شود. برای مثال اگر این مبلغ، حاصل یکسری فعالیت‌های اقتصادی در یک کشور دیگر باشد آن کشور برای کسب چنین سودی باید حدود ۱۰۰ میلیارد دلار تولید و صادرات داشته باشد. ما در حال حاضر دارای چنین موقعیتی فقط از نظر نفت هستیم و قطعاً اگر عزممان را جزم کنیم قادر

خواهیم بود که به اهداف موردنظر از نظر توسعه دست یابیم. نکته‌ای که در اظهارات آقایان مهندس مرعشی و دکتر جمشیدی وجود داشت بحث رابطه سیاست‌های اقتصادی با تورم است. امروزه اصلی که در نظریات اقتصادی پذیرفته شده و در سال ۱۹۹۵ فردی بنام لوکاس جایزه نوبل را در این رابطه دریافت کرده این است که سیاست انقباضی لزوماً نمی‌تواند تورم را کنترل کند و برعکس، سیاست انبساطی هم لزوماً به رشد اقتصادی منجر نمی‌شود. این یک نکته عمیقی است. آنچه حاصل این اصل و نظریات جدید است انتظارات است و انتظاراتی که در ذهن مردم شکل می‌گیرد ناشی از عملکرد دولت

### رزازی

\* حضور قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در بعد اقتصاد در کشورهای دیگر زمینه حضور سیاسی را بطور کامل فراهم می‌کند و بالعکس و این دو مقوله مکمل یکدیگرند.

\* ضرورت سرمایه‌گذاری خارجی را نمی‌توان انکار کرد و این کار در یک فضای قانونی مناسب امکان‌پذیر است.

\* ما در بعد کلان، نیازمند یک متولی در رابطه با توسعه هستیم و ضرورت دارد این امر تحقق یابد.

است. یعنی اگر مردم ببینند که مثلاً در طول پنج سال گذشته مرتب تورم افزوده شده است، بنابراین به صورت عقلایی انتظار دارند که سال آینده تورم بالا خواهد رفت. برعکس اگر دولت بتواند ذهنیت مردم را اصلاح کند و تورم را عملاً در یک حدی ثابت نگاه دارد، این مهمترین دست‌آورد اقتصادی است که یک ملت می‌تواند از آن بهره‌مند شود. نکته دیگری که اشاره شد این است که دنیا در حال حرکت است و ما هم نسبت به توسعه کشورمان نمی‌توانیم بی‌توجه باشیم. کشور چین در سال ۱۹۸۰ بخشی از سیاست‌های درهای باز را اجرا کرد و توانست در آن سال حدود ۴۰۰ میلیون دلار درآمدهای ارزی ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشد. در سال ۱۹۹۶ همین کشور توانسته است رقم ۴۰۰ میلیون دلار را به ۱۵۴ میلیارد دلار برساند. ویتنام کشور سوسیالیست دیگر که سالها درگیر جنگ

بود با برنامه‌ریزی اقتصادی توانسته است در سال ۱۹۹۶ میلادی مبلغی در حدود ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی جذب کند و انتظار می‌رود به زودی به رشد قابل توجه اقتصادی دست یابد. اندونزی به عنوان کشوری که از خیلی جهات با کشور ما شباهت دارد امروزه کل تولید نفت خود را در صنایع مصرف می‌کند و به یک کشور واردکننده نفت تبدیل شده است. محصولات صنایع نساجی اندونزی امروزه بازار اروپا و آمریکا را در دست گرفته است. مشکلاتی که ما در صنایع کشور داریم به بهره‌وری و صرفه‌جویی بازمی‌گردد. کسری بودجه پنهان پال ۷۶ رقمی حدود ۱۰۰۰۰ میلیارد ریال است. اگر این رقم را نسبت به بودجه سال ۷۶ در نظر بگیریم رقم ۵/۳ درصد بدست می‌آید.

### مهمترین مشکل

در اینجا است که به این نتیجه می‌رسیم که مهمترین مشکل ما کسر بودجه است. اگر همت شود که همین رقم ۵/۳ درصد کسری بودجه پنهان از طریق افزایش بهره‌وری کاهش یابد مسلماً بسیاری از مشکلات موجود رفع خواهد شد. حدود ۲۵ درصد تولید ناخالص داخل کشور برعهده بخش کشاورزی است ولی در همین بخش تقریباً ۸۵/۷ درصد از زمین‌های مستعد کشاورزی کشور بدون استفاده باقی مانده است. همین‌طور از مجموعه ۴۰۰ میلیارد مترمکعب نزولات کشور حدود ۱۲۰ میلیارد مترمکعب آب قابل استحصال است. در ضمن در جایی که آب مصرف می‌کنیم راندمان آب حدود ۳۰ درصد است. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که چقدر جای صرفه‌جویی و افزایش بهره‌وری در یک بخش عمده اقتصادی که حدود ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است وجود دارد. در بخش‌های دیگر هم امکان افزایش بهره‌وری وجود دارد. نکته دیگر این است که جهت‌های توسعه باید حساب‌شده باشند. ما نمی‌توانیم در ۵۰ جهت مختلف حرکت کرده و در همه آنها رشد کنیم. حاصل دو برنامه عمرانی کشور این است که در بعضی از قسمتها پیشرفت زیادی داشتیم و در بعضی قسمتها کمتر قطعاً باید قسمت‌هایی که با پیشرفت همراه بودند تقویت شود. نمی‌توان در جهت‌های زیادی حرکت کرد و نیروهای متخصص و محدود را هدر داد.

مطلب دیگر در مورد وضعیت بانکهاست. براساس آمار، هزینه تمام شده تسهیلاتی که



بانکها ارائه می دهند حدود ۱۲ درصد است اما متوسط بازدهی که می گیرند نزدیک به ۱۷ درصد است. طبیعی است بخشی از این اتفاق مربوط به تورمی است که در کشور وجود دارد. اشاره شد به اینکه بعضی از تکالیف به بانکها دیکته می شود. من در اینجا می خواهم تاکید کنم که مدیریت بانکی هم در کشور در آینده باید اصلاح شود. نرخ بین المللی بهره در دنیا رقمی حدود ۵ درصد است بنابراین حتی اگر آن ۱۲ درصد هزینه تمام شده بانکها صحت داشته باشد، این خود به این معناست که سیستم بانکی کشور کارایی لازم را ندارد و نمی تواند رقابت کند و لذا باید اصلاح کرد.

در سال ۷۴، میزان تورم در کشور بالای ۵۰ درصد بود. در سال ۷۵ پیش بینی تورم در حدود ۲۸ درصد و در سال ۷۶ رقم ۱۶ درصد

است من فکر می کنم اگر همین روند ادامه پیدا کند قطعاً اطمینان خاطری که مورد نظر مردم است تقویت خواهد شد. به اعتقاد من کاهش تورم بهترین هدیه ای است که دولت می تواند به مردم تقدیم کند. بدون شک تورم پایین، همه امور از جمله عملکرد اقتصادی نگاهها و کشور را اصلاح خواهد کرد. نکته دیگر تقویت رشد تولید ناخالص داخلی است. متأسفانه در چند سال اخیر رشد تولید در کشور حدود رشد جمعیت بوده و جامعه ما را در حالت ایستادن نگه می دارد.

از جمله دلایل اصلی کاهش رشد تولید را می توان مشکلات بازرگانی خارجی، تغییرات ناگهانی در خط مشی ها، تشدید عدم اطمینان در بخش خصوصی و بلا تکلیفی در تصمیم گیریهای

اقتصادی دانست. افت شدید صادرات و تأثیرات آن در اشتغال، محدود شدن زمینه فعالیت های بخش خصوصی در توسعه، تفاوت اساسی بین زندگی شهری و روستایی، تفاوت بین شهرهای مختلف، تداوم مهاجرتها از روستا به شهر و از شهرهای کوچکتر به شهرهای بزرگتر، بیکاری و فساد اداری از دیگر مشکلاتی است که در جامعه وجود دارد و برای حل آنها باید برنامه ریزی و تصمیم گیری کرد. در مورد تورم معتقدم که این مشکل در نهایت با افزایش بهره وری حل خواهد شد. در واقع تنها راه حلی که از نظر اقتصادی برای کاهش تورم وجود دارد این است که به همان میزانی که دستمزدها در سال آینده افزایش می یابد میزان بهره وری نیز بالا رود. به بیان دیگر کارگری که در سابق یک واحد کار تولید کرده است در سال آینده باید ۱/۰۵ واحد

کار تولید کند. زیرا این ۵ درصد افزایش تولید در واقع اثرات منفی افزایش قیمت را جبران کرده است. دیگر کارهای اساسی، در کشور را می توان به این شرح نام برد: اصلاح ساختارهای بودجه ریزی، حذف انحصارات دولتی و نیمه دولتی، اصلاح مدیریت پولی و مدیریت ارزی، پیش بینی قابلیت های لازم برای حفظ ارزش پول ملی و تخصیص بهینه ارز و تبدیل آن از حالت اداری به اقتصادی، اصلاح نظام مالیاتی و نظام آماری، حل تنگناها و موانع سرمایه گذاری و حمایت از سرمایه گذاری های مولد و اشتغالزا، تدوین سیاست توسعه صنعتی کشور، حمایت از صنایع پستاز، تدوین برنامه اشتغال، تاکید بر صادرات غیر نفتی و توسعه و اجرای عملی عدالت اجتماعی در کوتاه مدت و میان مدت،

راجع به بحث قانون و دولت چند نکته ای را عرض کنم. آنچه که آینده ما را شکل می دهد در واقع تصور ما از انتظارات است. متأسفانه امری که در طی چند سال گذشته وجود داشته این است که همواره دولت اعلام می کرده که کسری بودجه ندارد ولی در عمل وجود داشته است. بدون شک آثار آن در تورم خود را نشان خواهد داد و تورم نیز به کل جامعه تحمیل می شود. اعتقاد من این است که می توان این پدیده را اصلاح کرد. در حال حاضر در کشور ما پدیده ای تحت عنوان شرکت های نامرئی وجود دارد که در صورت بررسی مشاهده می شود تنها تغییری که بوجود آمده این است که در این شرکتها قانون محاسبات عمومی کشور رعایت نمی شود. در طول چند سال گذشته حتی برای یکبار هم



### جمشیدی

\* غالب بنگاههای اقتصادی کشور به نحوی متأثر از تصمیمات بی واسطه یا به واسطه دولت هستند.

\* علیرغم تلاش هایی که در سالهای اخیر صورت گرفته نرخ رشد سرمایه گذاری سرانه در کشور پایین است.

\* تدوین قانون مالیات ها یکی از ضروریات جامعه ماست و با تهیه آن بخشی از اصل عدالت اجتماعی به اجرا در خواهد آمد.

حفظ قدرت خرید مردم از طریق کنترل تورم و تضمین دسترسی مردم به کالاهای اساسی، توجه به گسترش صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، گسترش تجارت به آسیای میانه، جمع و جور کردن طرح های عمرانی طولانی مدت و نیمه تمام و کوتاه کردن زمان اجرای آنها، جلوگیری از هزینه های غیر ضروری، اصلاح ساختار واحدهای تولیدی و عدم انتقال هزینه های زاید به مردم، اجتناب از اسراف، داشتن نظم و انضباط مالی و فرهنگی، تعیین الگوی مصرف، افزایش رشد پسانداز و تشکیل سرمایه گذاری و تلاش در جهت کاهش تقاضا و گسترش فرهنگ خود اتکایی و بالاخره حمایت جدی از سیاست های توسعه مسکن و تاکید بر ایجاد مسکن استیجاری برای اقشار پایین و آسیب پذیر جامعه. در اینجا بی مناسبت نیست

دولت، پیشنهادی برای اصلاح قانون محاسبات عمومی ارائه نکرده است. در حالی که مجلس شورای اسلامی آمادگی داشته است تا اگر پیشنهادی برای اصلاح این قانون ارائه می شود تحت بررسی و تصویب قرار دهد. این در شرایطی است که سازمان بازرسی کل کشور اعلام کرده است تعداد شرکت های دولتی شناسایی شده سه برابر شرکت های موجود است. من فکر می کنم خیلی از مسائلی را که در ارتباط با کسر بودجه و عدم کارایی شرکت های دولتی و عمومی وجود دارد می توان از طریق قانونی مرتفع کرد. در هر صورت احترام به قانون، اصلی است محترم که اگر خدشه دار شود هیچ نفعی برای کشور ندارد. این تفکر که مدیر خوب و قوی نمی تواند در چارچوب قانون عمل کند نباید اصولی باشد. اقدام اصولی آن است که باید

قوانین کارآمد و مناسبی که تحرک و انعطاف‌پذیری را تضمین کند تصویب کرد. تدبیر: با تشکر از آقای دانش‌جمفری که تصویر خیلی خوبی از جهت جامعیت بحث و همچنین الگوهای پیشنهادی ارائه کردند خواهش ما از آقای رزازی این است که مطالب خود را به وظایف مدیران بنگاههای اقتصادی در این دوران حساس سازندگی و نقش آنها در ارتقای بهره‌وری که زمینه‌ساز تحرک بیشتر در نظام اقتصادی کشور است اختصاص دهند.

رزازی: طبیعی است که وظایف خردوکلان در یکدیگر تاثیر متقابل دارند. اما نکته‌ای که می‌توان به آن بطور مختصر اشاره کرد این است که ما در بعد کلان، نیازمند یک متولی در رابطه با توسعه هستیم. من حداقل در وزارتخانه‌ها و سازمانهای موجود مرجعی که عهده‌دار برنامه‌ریزی برای توسعه و مراقبت‌های لازم برای اجرای آن باشد نمی‌بینم. ضرورت دارد که این امر تحقق‌یافته تا به تبع آن، سیاست‌های توسعه در ابعاد مختلف بازرگانی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی و فرهنگی به اجرا درآید. این امر در خیلی از کشورها حتی در سطح یک وزارتخانه با تعریف مشخصی وجود دارد و تعدادی از وزارتخانه‌های عمده و مرتبط با این موضوع به عنوان زیرمجموعه‌های آن به نحوی که برنامه‌ها با ضرب اطمینان بالا اجرا شود فعالیت می‌کنند. لذا لازم است مقوله توسعه به صورت جدی و سازمان داده شده در ساختار اجرایی کشور دیده شود. بحث تحقیقات در کشور که اکنون به عنوان یکی از فاکتورهای اساسی توسعه تلقی می‌شود مشکل مشابه است. ما در کشورمان متولی مشخص و سازمان داده شده‌ای با اهداف مناسب برای تحقیقات، و توسعه تکنولوژی نداریم و ساختار سنتی که در گذشته در ایران بوده کماکان با همان شکل اولیه فعالیت می‌کند. این ساختار احتیاج به تجدید و برنامه‌ریزی دارد. در بعد کلان، اعتقاد من این است که مسایل اقتصادی باید در مدیریت جامعه، مجامع، سازمانها و تصمیم‌گیریها اهمیت بیشتری پیدا کنند. در بعد خرد با فرض اینکه سیاست‌های توسعه تدوین شده است، بنگاههای اقتصادی باید با سیاست‌ها و روش‌های مناسب خود، حرکت کنند. من در ابتدای صحبت‌های خود عرض کردم ما در جهت اجرای صادرات غیرنفتی در بنگاه اقتصادی خود سعی کردیم این مسایل را سرلوحه کار خود قرار داده و خوشبختانه موفقیت‌آمیز هم بود. ولی



مرعشی  
\* تمرکز بیش از حد امور در دستگاههای سیاست‌گذاری و اجرایی کشور، یکی از موانع توسعه و تحول محسوب می‌شود.  
\* برای زمینه‌سازی تداوم توسعه در کشور می‌باید راهبرد مبادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در دستور کار قرار دهیم.  
\* ایجاد پویایی در نظام مدیریت کلان اقتصاد، صنعت، کشاورزی و خدمات یک اولویت غیرقابل تردید است.

وزارتخانه‌های خارجه، بازرگانی و صنایع مطرح بود. در سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور هنوز تعریف مشخصی از وابسته بازرگانی وجود ندارد. در حالی که نقش وابسته بازرگانی در سفارتخانه‌ها بسیار حیاتی است. لازم است تعیین تکلیف شود که این وابسته از جانب کدام وزارتخانه تعیین شود و دارای چه ویژگی‌هایی باشد. ما در بسیاری از سفارتخانه‌های خود، عامل نداریم و اگر هست در حد کیفیت و توان مناسب نیست. ما نیازمند یک سازمان نیرومند اقتصادی در رابطه با وضعیت سرمایه‌گذاری خارجی هستیم. به عنوان نمونه در مالزی سازمانی برای جلب سرمایه‌گذاری خارجی وجود دارد که چشم‌انداز روشنی پیش‌روی سرمایه‌گذاران خارجی قرار می‌دهد. مسایلی از قبیل ابعاد فیزیکی و نقاط مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری، میزان دستمزد، رشد دستمزدها، میزان تورم، بازگشت پول و سایر امکانات لازم برای سرمایه‌گذاری اطلاعات عمده‌ای است که توسط این سازمان در اختیار سرمایه‌گذاران خارجی قرار می‌گیرد. همچنین چگونگی جلوگیری از مخاطرات سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع استراتژیک و نحوه برنامه‌ریزی به منظور جلوگیری از چسبندگی سرمایه‌گذاری خارجی در داخل از جمله مواردی است که توسط این‌گونه سازمانها بررسی شده و به صورت قانونمند درمی‌آید. امیدوارم ما هم بتوانیم با استفاده از تجارب مفید کشورهای دیگر، قانونی را وضع کنیم که نگرانی‌ها را در زمینه محدودیت منابع و سرمایه‌گذاری خارجی از بین برده تا به این ترتیب راه برای توسعه آینده اقتصاد کشور هموارتر گردد.

مطلوبیت رسیدن به این اهداف نیازمند آن است که اهداف کلان با راهکارهای مناسب، زمینه‌های لازم را برای سرعت و حرکت بیشتر با خود به همراه داشته باشد. در زمینه بهره‌وری می‌توان گفت حرکت در زمینه صادرات و حضور در بازارهای جهانی اصولاً انگیزه‌هایی را ایجاد می‌کند که بنگاهها ناچار به پرداختن به مقوله بهره‌وری خواهند شد. بدون تردید یکی از تاثیرات اساسی در شرکت‌های درگیر با صادرات، مقوله بهره‌وری است. بهره‌وری در ابعاد مختلف می‌تواند در بنگاهها به اجرا درآید. بحث افزایش توان فنی، کاهش ضایعات، نقش نیروی انسانی در تولید، افزایش ایجاد انگیزش، افزایش نقش کارکنان و مشارکت آنان در تصمیم‌گیریها و اجرای برنامه‌ها از مقولاتی است که در چارچوب بهره‌وری مفهوم می‌یابد. به اعتقاد من اصلاح جهت‌گیری‌ها و روشها بایستی از سطح کلان شروع شود تا به تبع آن مدیران اقتصادی در سطح خرد زمینه‌های اجرایی لازم را پیدا کرده و خود را تطبیق دهند. لذا ضرورت طرح موضوعات یادشده در بعد کلان امروز در جامعه ما اهمیت و حساسیت بسیاری دارد. بحث‌هایی که صورت گرفت ضرورت دارد که به صورت جدی‌تری مورد توجه مسئولان محترم قانون‌گذاری کشور قرار گیرد تا به تبع آن شرکتها و بنگاههای اقتصادی در چارچوب ضوابط و قوانین به حرکت درآیند. نکته مشخص دیگری که می‌تواند در رابطه با مقوله توسعه بیان بحث تجدید ساختار و تجدید نگرش است. امروزه در بسیاری از کشورهای دنیا شاهد هستیم که بخش‌های بازرگانی، صنعت و اقتصاد در قالب یک سازمان درهم ادغام شده‌اند. من نمونه پیشرفته آن را در کره جنوبی شاهد بودم که بحث ادغام

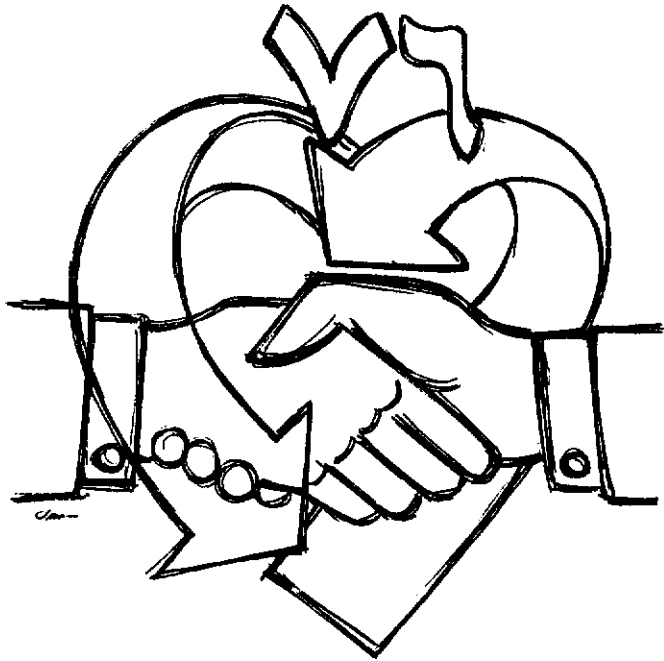
ثقفی: خوشبختانه برادران بیشتر راهکارها و برنامه‌ها را در جهت رفع مشکلات بیان کردند. در اینجا فقط چند مورد را فهرست وار عرض می‌کنم. یکی از موارد این است که باید مقررات دست و پاگیری که در راه ورود مواد و قطعات ضروری صنایع وجود دارد حذف شود. با این عمل می‌توان کمک شایان توجهی به افزایش ظرفیت واحدهای تولیدی و نیز کاهش بخشی از تورم موجود در جامعه نمود. نکته دوم تفویض اختیارات است که به وزارتخانه‌های صنعتی بازمی‌گردد. این اختیارات را می‌توان ابتدا به مراکز استانها و سپس به شهرستانهایی که مرکز فعالیت واحدهای اقتصادی ذیربط هستند منتقل کرد. طبیعی است که با انتقال اختیار به مراکز استانها و شهرستانها کارآمدتری در این مراکز پرورش خواهند یافت. در واقع هر قدمی که برای تفویض اختیار برداشته می‌شود. جذب نیروهای مناسب در مناطق دورافتاده روند سریعتری به خود می‌گیرد. بحث تفویض اختیار و کمک به روند واگذاری کار مردم به خود مردم با هدف تقویت انگیزه‌های کار، افزایش تولید در بخش کالا و خدمات، بهره‌وری و نیز تقویت فلسفه پرداخت دستمزد در مقابل کار به جای دستمزد در مقابل حضور در محل کار صورت می‌گیرد. به اعتقاد من حتی روند خصوصی‌سازی نیز باید با این هدف پی‌گرفته شود. در کنار این‌گونه راه‌حلها، بعضی از راه‌کارهاست که ماهیت فکری، نرم‌افزاری و آموزشی دارند که طبیعتاً به زمان طولانی‌تری نیازمند هستند. این‌گونه راه‌حلها جزو وظایف سازمانهایی نظیر سازمان مدیریت صنعتی و سایر مراکز علمی، آموزشی و صنعتی است که به کارهای فکری و نرم‌افزاری در جامعه می‌پردازند. به علت ضیق وقت من تنها به دو مورد از این راهکارها که در صحبت‌های آقای مهندس دانش‌جعفری هم به آنها اشاره شد می‌پردازم. یکی از این موارد، تغییر نگرش به قانون است بطوری که قانون را به عنوان راهگشا تلقی کنیم نه مانع در راه انجام کارها. به عنوان مثال در شورای عالی معادن تا قبل از شروع کار وزیر فعلی معادن و فلزات نگرش این بود که هر معدنی بزرگ است مگر اینکه کوچک بودن آن به تصویب شورای عالی معادن برسد. در زمان وزارت وزیر فعلی بدون تغییر قانون، نگرش به این ترتیب تغییر کرد که تمام معادن کوچکند مگر اینکه تشخیص داده شود که معدنی بزرگ است. با این اقدام، صدها پرونده تقاضای

معدن‌کاری زودده شد و به همین جهت در حال حاضر نزدیک به ۲۰۰۰ معدن فعال در کشور وجود دارد که مردم خود متولی برداشت و استخراج از آنها هستند. از برکت این معادن، بسیاری از صنایع در کشور جان گرفته‌اند و با بهره مالکانه نسبتاً خوبی هم که دولت از این معادن دریافت می‌کند، درآمد مناسبی نیز برای دولت حاصل شده است. علاوه بر این اشتغال فراوانی در مناطق محروم کشور که اغلب این معادن در آن نقاط واقع هستند ایجاد شده است. با این نگرش ما موفق شده‌ایم در شرکتی که مشغول فعالیت در آن هستیم با استفاده از قانون تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان و با حفظ سابقه خدمت آنها در صندوق ویژه بازنشستگی، تمامی کارکنان شرکت را زیر پوشش قانون کار درآوریم و متناسب با حضور کارگران در مناطق محروم و خدمت در معادن امتیازاتی به آنها بدهیم. با استفاده از این ابتکار حتی خدمات آموزشی و فرهنگی نیز بدون مانع قانونی صورت گرفته است. نکته دیگر این است که چگونه می‌توانیم منافع غیرملموس را در سازمانها ارزیابی کنیم، امروزه برای توجیه اقتصادی یک طرح، در کنار گزارش جامع اقتصادی و فنی، منافع غیرملموس ناشی از اجرای طرح نیز باید مورد توجه قرار گیرد. ما اگر بتوانیم مکانیزم‌هایی پیدا کنیم که ارزش‌های کیفی را به کمی تبدیل کند در آن صورت بدون شک در جهت ثبات و تحکیم مدیریت، افزایش کارایی و اضافه شدن به رضایت مجموعه‌های کارگری و صنعتی کشور کمک‌های شایان توجهی کرده‌ایم. ما در حال حاضر با موافقت سازمان مدیریت صنعتی مشغول مطالعه هستیم تا بلکه این موضوع در پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویان مدیریت اجرایی کارشناسی ارشد این سازمان مورد بررسی و پژوهش بیشتر قرار گیرد. تدبیر: از آقای دکتر جمشیدی تقاضا می‌شود با توجه به محدودیت وقت، ضمن ارائه جمع‌بندی مختصر از مطالب مطرح شده، نظرات، پیشنهادات و راه‌حلهایی را در جهت کاهش و رفع تنگناها و مشکلات بیان کنند. جمشیدی: برادران عزیز مطالب عمده را در زمینه راهکارها و پیشنهادات فرمودند. در عین حال من سعی می‌کنم چند نکته را به فهرست راهکارهایی که آقای دانش‌جعفری در بخش کلان به آنها اشاره کردند اضافه کنم. یکی از این نکات که در مقدمه عرایض به آنها اشاره شد مساله

نگرش است. انکا و نگرش بنگاه‌های اقتصادی ما به روش‌های سنتی اعتباری اعم از اعتبارات عمرانی و بانکی باید تعدیل شود. متأسفانه تاکنون کمتر از بحث بازار سرمایه استفاده شده است. در برنامه دوم، نکاتی همچون بازار سرمایه، بازار پول، حفظ ارزش پول ملی و سازوکارهای مختلف گنجانده شده و در واقع قانون بسیار خوب تدوین شده است. اما همانطوری که مستحضردر چند سال اخیر از میان ابزارها و سازوکارهای گوناگون، فقط سازوکار ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذاری و انتشار اوراق سهام و نظایر آن مورد استفاده قرار گرفته است.

در حال حاضر بیش از ۲۷۰ واحد صنعتی و غیرصنعتی در سازمان بورس پذیرفته شده‌اند و سهام آنها خرید و فروش می‌شود. اما در مقابل، تعداد قابل توجهی از واحدهای صنعتی و تولیدی وابسته به وزارتخانه‌ها و سازمانهایی نظیر وزارت کشاورزی، جهاد، معادن و فلزات و شرکت ملی نفت وجود دارد که در بازار سرمایه حضور ندارند. نگاهی به کشورهای جنوب شرقی آسیا که مشابهتی با اقتصاد کشور ما دارند نشان می‌دهد که آنها منابع سرمایه‌گذاری خود را تا چه حد از بازار سرمایه تامین کرده‌اند.

پاره‌ای از کشورهای آسیای جنوب شرقی معروف به بره‌های آسیا مانند مالزی، کره جنوبی، تایوان و تایلند به ترتیب ۲۷ درصد، ۱۸/۰۸ درصد، ۹/۰۷ و ۳/۰۳ از منابع سرمایه‌گذاری خود را در بخش مولد کشور از بازار سرمایه تامین کرده‌اند. در حالی که در ایران با همه تلاشی که صورت گرفته این رقم بیشتر از ۰/۵ درصد نیست. در همین شرایط در حالی که سهم سرمایه‌گذارها از تولید ناخالص ملی مالزی در سال ۱۹۹۱، برابر با ۳۳ درصد بوده است، رشد سرمایه‌گذارها در کشور ما از مرز ۱۸ درصد در همان سال فراتر نرفته است. این بحث در واقع به بحث دیگر ما که سیاست‌های انبساطی و نگرانی از تشدید تورم است ارتباط پیدا می‌کند. به اعتقاد من با این مکانیزم، اولاً مشکل پیامدهای سیاست انبساطی حل می‌شود. ثانیاً مکانیزم انتقال پس‌اندازها به گونه‌ای است که پس‌اندازها به سوی بازاری می‌رود که نرخ سود بازگشت پول بالاتر از سایر بازارها باشد. در حال حاضر فعالیت سازمان بورس تهران محدود است و حتی در شهرستانهایی که فعالیت دارد عاملیت آن با بانک ملی است. باید از دید فراملی به



بورس نگریت. ما وقتی می‌توانیم صحبت از انتشار اوراق سهام کشور در خارج و جلب پس‌اندازهای کوچک خارجی به داخل کشور کنیم که بورس و بازار سرمایه فعال و پویایی داشته باشیم. فعال شدن بازار سرمایه در کشور نه تنها به کاهش تورم کمک می‌کند بلکه باعث ایجاد تعهد و مسئولیت اجتماعی در مدیران شده و سبب می‌شود که مدیران در حراست از پول و استفاده بهینه از آن که به نوعی بهره‌وری است قطعاً کوشا تر عمل کنند. در باب افزایش بهره‌وری شاخص‌های مختلفی وجود دارد که دستمزد کارگر به واحد تولید کالا، سود واحد صنعتی به میزان سرمایه از جمله این شاخص‌هاست که قبلاً به آنها اشاره شد. صرف‌نظر از این نکات ما باید به فرهنگ تولید، نگرش خاصی داشته باشیم. به بیان دیگر باید در مورد رابطه مدیر و کارگر و بالعکس، تعریف مشخصی ارائه کرد. اگرچه این رابطه در قانون کار مشخص شده ولی واقعیت این است که تا زمانی که ۷۰ درصد بنگاه‌های اقتصادی ما تحت پوشش و حمایت دولت هستند نمی‌توان کارایی چندانی از آنها انتظار داشت. در این صورت ممکن است مقتضیاتی ایجاد شده و در نهایت موجب زیان و هدر رفتن نیروهای متخصص گردد.

نکته دیگر استفاده از تکنولوژی برتر است که طبیعی است نیاز به سرمایه دارد. در اینجا این نتیجه حاصل می‌شود که مرحله و فاز اول حرکت هر سرمایه‌گذاری، محرک تورم است و اما با توجه به اینکه ظرفیت و منابع اقتصادی و سرمایه‌گذاری در کشور ما محدود است، باید در انتخاب منابع، اولویت‌بندی صورت گیرد. یکی از راه‌ها در این زمینه، جذب سرمایه‌های خارجی است. به عقیده من اولین گام در سرمایه خارجی، جذب نیروی انسانی متخصص و علاقه‌مند و معتقد به وطن است. این نیروها می‌توانند بهترین سرمایه و بهترین کمک‌کننده انتقال تکنولوژی و فن‌آفرینی باشند. بحث دیگر بهادادن و اعتماد کردن به نیروهای متخصص صاحب اخلاق است که باید در جهت سازندگی و بالندگی کشور مورد تمق و عنایت بیشتر قرار گیرد. نکته دیگر مربوط به ترکیب قیمت تمام شده کالاهاست که باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. یکی از مسایلی که در اینجا مدنظر است تدوین قانون مالیات‌هاست. قطعاً با تدوین این قانون که یکی از ضروریات جامعه ماست، بخشی از اصول عدالت اجتماعی به اجرا در خواهد آمد. در مراحل

ما باید نگرشی به سال ۲۰۰۰ داشته باشیم استراتژی‌های توسعه صنعتی نه فقط در وزارت صنایع بلکه باید به صورت فراگیر در نظام صنعتی تعریف شده و اولویت‌بندی‌ها مشخص شود.

نکته دیگر عقلانی کردن رفتارهای اقتصادی در جامعه است و مطمئناً بدون آن جامعه به اقتصاد بدون نفت دست نخواهد یافت. امروزه بدترین و بی‌اعتمادترین نوع خرید در دنیا خرید نسیه و یوزانس است. در کشوری که بین ۱۵ تا ۲۳ میلیارد دلار درآمد نفتی دارد خرید یوزانس مفهوم و اعتبار ندارد. مطلب دیگر اینکه نگرش بنگاه‌های اقتصادی به خصوص بنگاه‌های اقتصادی بزرگ جامعه ما باید از چارچوب کارخانه، شهر و کشور خارج شده و به داخل بازارهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نفوذ کند. ما در منطقه‌ای قرار گرفته‌ایم که دارای پانصد میلیون جمعیت با مشترکات مذهبی و فرهنگی است و طبیعی است این منطقه با این جمعیت عظیم بازار بسیار خوبی برای بنگاه‌های اقتصادی ماست. امیدوارم مجموعه راهکارهایی که در این میزگرد در زمینه‌های گوناگون ارائه شد در حل مسایل و مشکلات و رشد و توسعه اقتصادی، صنعتی و اجتماعی کشور موثر واقع شود.

مرعشی: باتوجه به سمت‌گیری دولت و مجلس شورای اسلامی برای دستیابی به تورم زیر ۲۰ درصد آنچه مسلم به نظر می‌رسد ادامه سیاست‌های انقباضی پولی را شاهد خواهیم بود.

برای جلوگیری از رکود می‌باید سامان‌دهی منابع پولی مردم به مناسب‌ترین شیوه‌های ممکن صورت پذیرد. برای زمینه‌سازی تداوم توسعه کشورمان می‌باید راهبرد مبادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را در دستور کار قرار دهیم. ایجاد دگرگونی در قوانین و مقررات داخلی به گونه‌ای که بتوانیم جذب سرمایه از خارج را در اقتصاد کشورمان نهادینه ساخته و زمینه سرمایه‌گذاری از سوی سازمانها و بنگاه‌های اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را در دیگر کشورها خصوصاً در زمینه‌هایی که حلقه‌های نظام تولید ملی را تکمیل می‌نماید پی‌جوئیم. سامان‌دهی جامع فن‌آوری در این راستا یک ضرورت غیرقابل اجتناب است، ایجاد پویایی در نظام مدیریت کلان اقتصاد، صنعت، کشاورزی و خدمات یک اولویت غیرقابل تردید است. در این رهگذر سازمانها و بنگاهها نیز می‌باید با ایجاد تحرک درونی و با بکارگیری ابتکارهای نوینی خود را مهبای مهندسی مجدد فعالیت‌های خود نمایند به گونه‌ای که با پرهیز از قیود گذشته و با خود نهاده مهبای ورود به دوران تحرک در اقتصاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بشوند. انشا...

تدبیر: با تشکر از تمامی مدیران و سروران عزیزی که در این میزگرد مدیریتی حضور یافتند امید است طرح مسایل و نظرها، پیشنهادها و راهکارهایی که ارائه شد مورد استفاده مدیران و تصمیم‌سازان جامعه در جهت شکوفایی، بالندگی و سازندگی کشور قرار گیرد.